

میدون و سوفیا

چرا اصلاحات تکه‌پاره شد؟



پاپوریا عالمی

● قضیه شهرداری تهران هم جالب است؛ یعنی سال‌ها اصولی‌ها چوب می‌گذاشتند لای چرخ اصلاحی‌ها و نظارت می‌کردند و می‌بستند و می‌گرفتند و ول می‌کردند و شلوغ می‌کردند و فلان. بعد دست‌برقضا، اصلاح‌طلب‌ها دولت و مجلس و شورای شهر را گرفتند. اما چی شد؟

دولت‌اصلاحی

توی دولت بعد از اینکه رای آوردند اعلام استقلال کردند و گفتند ما نه اصلاح‌طلبیم، نه اصلاح‌طلب‌ها را قبول داریم، نه کاری باهاشان داریم و نه بست بهشان می‌دهیم! چرا؟ چون ما اعتدال‌گرا هستیم. حالا اعتدال‌گرا را از کجا درآوردند خدا می‌داند، چون تا قبل از ۱۳۹۲ توی قوطی هیچ بقالی اعتدال‌گرا نبود. این‌طوری اصولی‌ها دیدند چرا زحمت بکشند؟ خود اعتدالی‌ها، اصلاحی‌ها را پوچ کردند.

مجلس اصلاحی

توی مجلس اما خنده‌ارتر بود. یک فهرست چپ و راست امید از طرف اصلاح‌طلبان معرفی شد و «تکرار شد» و مردم رای دادند. این اساتید هم رفتند مجلس. برخی بعد از پنج روز از مجلس رفتند سمت لاریجانی. برخی دیگر هم بعد از ۱۰ روز اساسا اعلام استقلال کردند و گفتند اصلاحات مرده است و اینها رآسا از انتهای آسمان فروافتاده‌اند توی فهرست امید. اصولی‌ها چی؟ دیدند ۳۰ سال وقت گذاشتند مردم از اصلاح‌طلب‌ها ناامید شوند موفق نبودند، تا اینکه فهرست امید به اسم اصلاح‌طلبی آمد توی مجلس و همه را از زندگی ناامید کرد.

شورای اصلاحی‌ها

توی شورای شهر که آخر خنده است. فهرست امید به اسم اصلاح‌طلبی رای آورد و آمد شورا، تا الان مهم‌ترین کاری که کرده‌اند این بوده:

● سر قضیه همشهری روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و مستقل را انداختند به جان هم و الان فضای رسانه چهار تکه شده است.

● در عرض دو ماه، شیونדה تا شهردار معرفی، عوض، انتصاب، انفصال، فیلم مداربسته، تعویض، معاوضه، تقسیط، تنظیم و در نهایت تعیین کردند که شاید برائتان جالب باشد همین الان تهران شهردار ندارد! یعنی یکی شهردار است که نیست، اما می‌گوید هست. شورای شهر هم هنوز شهرداری از عده شهردار دریانمده، دارد چند نفر را نامزدش می‌کند!

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... اگر اصولی‌ها می‌دانستند اصلاحی‌ها این‌طوری همدیگر را تکه‌پاره می‌کنند، هیچ‌وقت خودشان را تکه‌پاره نمی‌کردند که تکه‌ای نصب اصلاحی‌ها نشود! عاشق تکه‌پاره تو؛ میدون دوم

نکته

کتاب‌خوانی بانور و آهنگ



● می‌خواهید باور کنید یا نه؟ آن‌قدر ماجرای کتاب‌خواندن شبانه والدین برای کودکان جدی است که حتی گوگل اعلام کرده می‌توان آنها را با موسیقی و نور فضاسازی کرد. البته اکنون در مرحله‌ای هستند که بیشتر در مسیر فضاسازی بر اساس کارتون‌هایی نظیر داستان اسباب‌بازی و موتا و کوکوا این اتفاق شکل گرفته است. به‌هرحال قرار است این بلندگوهای جدید که گوگل با همکاری کمپانی «دیزنی» (Disney) ساخته است، داستان شب کودکان را هرچه بیشتر به واقعیت نزدیک کند. می‌تواند صداهای محیطی و موسیقی متناسب با داستانی را که والدین در حال روایت آن برای فرزند خود هستند، پخش کند. تنها کاری که والدین لازم است انجام دهند، این است که عبارت «سلام گوگل، بیا به همراه دیزنی بخوانیم» را بگویند و شروع به خواندن یک داستان مناسب کنند. این دستگاه توانایی این را دارد که وقتی پدر و مادر بخشی از داستان را بخواند یا داستان را متوقف کرد، تشخیص می‌دهد و موسیقی و صداهای محیطی را با جایی که داستان قرار دارد، تنظیم می‌کند.

سری اول داستان‌های موجود در این ویژگی جدید شامل موارد داستان‌های مدرن دیزنی مانند موتا، کوکو و داستان اسباب‌بازی ۳ و همچنین داستان‌های کلاسیکی مانند، پتر پن و سیندرلاست. هرچند قرار است تعداد این داستان‌ها افزایش یابد. اما در این زمینه تردیدهایی هم وجود دارد که آیا این شیوه سبب نمی‌شود که کودک به‌جای آرامش دچار هیجان نشود و خواب از سرش بپرد؟ یا اینکه این امکانات آیا تبلیغاتی نیست و سبب رقابت با داستان‌های خلاقه نمی‌شود؟

شترق روزنامه

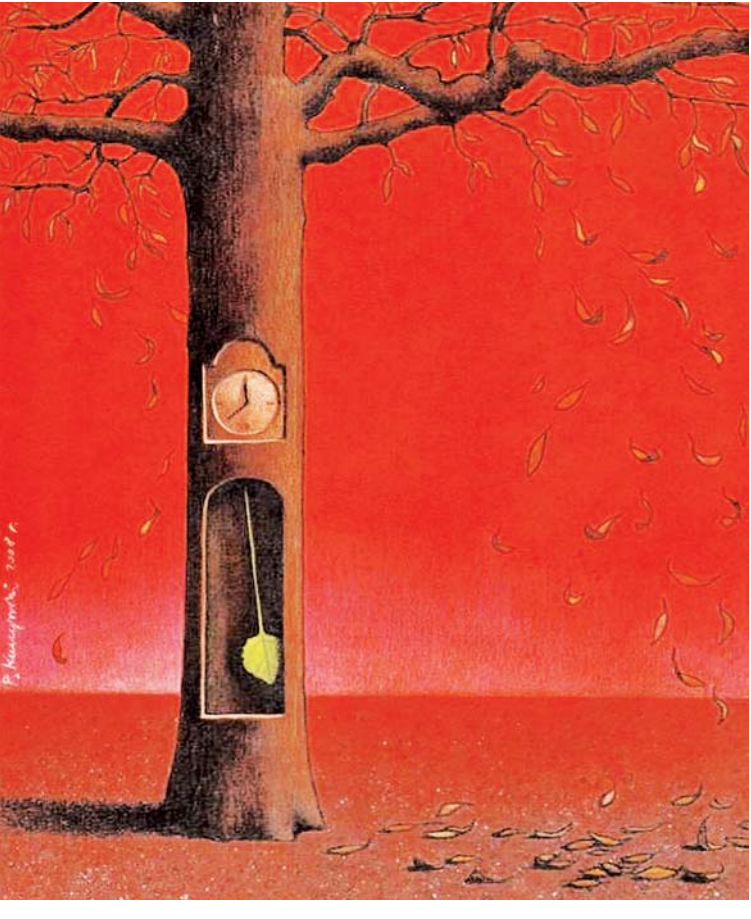
www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۹۷ ۲۱ صفر ۱۴۴۰ ۱۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ سال شانزدهم شماره ۳۲۸۱ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۹ اذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

پاول کوژینسکی



پرنده آبی

#حب‌الحسین -یجمعنا

این چند روز و هم‌زمان با راهپیمایی برای رسیدن به کربلا و زیارت مزار مطهر حضرت امام حسین (ع)، شوروشوقی در شبکه‌های اجتماعی است. اینکه هر کس از عشق خود به امام مظلوم شیعیان می‌نویسد و بسیاری از حال‌وهوای راهپیمایی برای رسیدن به مرقده مطهر. از افراد سرشناس و تئوریسین نظیر پرویز پرستویی، حسین پناهیان و سردار سلیمانی تا هر کسی که توانسته سر از پا نشناخته روانه شود. این چند روز بی‌تردید مصداق بارز این بیت است: «این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست...».

#اربعین، #امام‌حسین(ع) و #کربلا چند هشتگی هستند که سبب شده تا در این آیین جمعی بسیاری دغدغه‌ها، حس‌وحال و عشق خود را به اشتراک بگذارند.

معصومه ابتکار و بسیاری از اعضای دولت درباره اربعین توییت‌هایی منتشر کرده‌اند. ابتکار نوشته است: «این جاذبه عشق حسین، همه را به راه انداخته، از هر ملیت و هر مکان همه در حرکت‌اند، همه برای اعلام وفاداری به عشق، و این سفر ادامه دارد...تا انسانیت غلبه کند...تا ظهور، تا رستاخیز».

یکی از کاربران این‌گونه اربعین و داغ این شهادت را توصیف می‌کند: «وقتی #اربعین می‌رسد #شام‌غریبان تازه رخ می‌نمایند که درد



نوم‌می‌شود و جان ناله می‌کند از نبود #حسین در این هنگام #زنب را تصور کن، چه‌جا از دست داده و تنها #سجاد را می‌بیند و بغض‌هایی

برای پدر و مادر و برادران را پنهان می‌کند اما همچنان خنجر کینه و جهر را می‌بیند که سر می‌برد».

اما شاید مهم‌ترین اتفاقی که در این چند روز در عرصه شبکه‌های اجتماعی رخ داده، اقبال نسبت به هشتک #حب‌الحسین- یجمعنا باشد؛ هشتگی که سبب شده است اکثر خبرگزاری‌های فارس و... درباره آن خبر منتشر کنند و استقبال به‌گونه‌ای است که در ۴۸ ساعت گذشته داغ‌ترین هشتک در شبکه‌های اجتماعی فارسی بوده است. پناهیان و مصباح‌زیدی هم در تویتر حضور داشتند و از این هشتک استفاده کردند. پناهیان نوشت: «شما زائران #اربعین، با کردند.

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۹۷ ۲۱ صفر ۱۴۴۰ ۱۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ سال شانزدهم شماره ۳۲۸۱ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۹ اذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۲۶

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

پاول کوژینسکی



پرنده آبی

#حب‌الحسین -یجمعنا

حرکت خودتان در این مسیر، دارید مردم عالم را خبردار می‌کنید؛ مثل حضرت زینب(س) که حرکت کرد و مردم عالم را از امام‌حسین(ع) و مظلومیت ایشان خبردار کرد». سردار سلیمانی نوشت: «از یکی سؤال کردند راهپیمایی #اربعین چگونه بود گفت من از شما سؤال دارم کدام سلطان در دنیا هست که بتواند ۲۰ تا ۲۵ میلیون آدم را با خرج خودشان با پای پیاده سمت خودش بسیج کند و کسی هم ذره‌ای احساس کمبود نکند؟ و خودش جواب داد بله! یک سلطان این کار را کرد و امام حسین(ع) بود».

بسیاری از کسانی که به پیاده‌روی رفته بودند مشاهده خود را با این هشتک منتشر می‌کردند. مثلا عکس کاروان زیارتی عاشقان اباعبداالله‌الحسین علیه‌السلام از هلند، اربعین اسمال برابتر از هر سال با حضور عاشقان آقا اباعبداالله‌الحسین علیه‌السلام از نقاط جهان که همراه با عکس پرچم کشور‌های مختلف بود. حضور ابراهیم رئیسی، محمدباقر قالیباف و پرویز پرستویی بسیار مورد توجه قرار گرفت. وحید یامین‌پور هم نکته‌ای گفته است که بیشتر تبلیغاتی به نظر می‌رسد تا مبتنی بر آمار. او نوشت: «اسم «کیان» در #عراق رواج پیدا کرده. بعضی از زوج‌های جوان بعد از دین سرپال مختار اسم ایرانی کیان رو برای پسرهاشون انتخاب کردند».

تصاویر تسنیم از موکب‌های مختلف که روزانه پذیرای هزاران نفر از مشتاقان زیارت #اباعبدالله هستند و حتی نمایش هم اجرا می‌کنند. تجربه‌هایی از حضور کودکان در پیاده‌روی‌ها یا اینکه حتی امکا ماساژ فراهم است، یکی نوشته است: «کسی هست که

پای دیگران را با توجه به عدم شناخت بشورد و ماساژ دهد. اما در عراق این کار را با افتخار انجام می‌دهند و غریب، آشنا و ملیت هم نمی‌شناسند. برای #حسین(ع) همه کار می‌کنند». بی‌تردید یکی از نکته‌های جالب این اتفاق همین توییت است: «عشق به #حسین مرز و مذهب و زبان نمی‌شناسد حضور پرفسور #مالخاز-سونگولاشوولی رهبر مسیحیان باپتیست #گرچستان در راهپیمایی جهانی #اربعین و بوسه بر پرچم امام حسین (ع)».

ایستنا؛ یکی از بخش‌های ایران که به شکل ویژه و منحصربه‌فردتی به عزاداری برای امام حسین (ع) و کاروان کربلا می‌روند، استان سیستان وبلوچستان است؛ استانی که نظیر دیگر استان‌ها مانند خراسان تا چهل‌هشتم و درگذشت پیامبر (ص) عزاداری را ادامه می‌دهند. سیستان‌ها نخستین خون‌خواهان امام حسین (ع) و یاران باوفایش هستند. نیاکان آنها حتی به قیمت تراشیده‌شدن سر زنان‌شان حاضر نشدند در بدترین شرایط که به دستور بنی‌امیه به خاندان پیامبر (ص) و مولای متقیان حضرت علی (ع) دشنام داده می‌شد، این ننگ را بپذیرند. تخل‌گردانی، طبق‌کشی، تش‌گذاری، دسته‌های شاخسی‌واخسی، زار‌حاک، گل‌مالی، بیل‌زنی و... فقط مشت‌ی از خوراها جلوه مراسم‌های عزاداری است که مردم شهرهای مختلف ایران در روزها و شب‌های عزای سید و سالار شهیدان انجام می‌دهند. در سیستان عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)، نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی، سینه‌زنی، برپایی مجالس در تکیه‌ها،

آکادمی

به بهانه روز جهانی سکنه مغزی

آموزش از کودکی، پیشگیری در بزرگسالی

و غیرقابل برگشت نوروں ها (انفارکت) کافی نیست. در نتیجه علائم نیز بلافاصله برطرف می‌شوند و معلولیتی برای فرد اتفاق نمی‌افتد. به این حالت حمله ایسکمی گذرا می‌گویند که معادل حملات قلبی و درد سینه یا آئزین قلبی است. متأسفانه توجهی که مردم به درد سینه یا آئزین قلبی دارند، به حمله ایسکمی گذرای مغزی ندارند. اگر این حملات گذرا که می‌توانند به‌صورت بی‌حسی‌گذاری بخشی از بدن یا اختلال تکلم چنددقیقه‌ای و... تظاهر کنند، مورد توجه شخص و خانواده قرار گرفته و به پزشک مراجعه کنند، می‌توانند با بررسی و اقدامات درمانی لازم از وقوع سکنه‌های سنگین بعدی پیشگیری کنند. ممکن است منشأ لخته رسیده به مغز از قلب باشد و با درمان، مانع شکل‌گیری مجدد لخته شد. ممکن است تنگی شدید یکی از رگ‌های خون‌رسان اصلی مغز کشف شود و با گشودن آن سال‌ها از وقوع سکنه‌ای بزرگ جلوگیری کرد. علائم ایسکمی‌های گذرای مغزی را یاد بگیریم و به‌طور جدی با آنها برخورد کنیم.

قصه‌های شهر

شمشیرهای آخته نگران!



گیتی صفرزاده

به‌خاطر نظر قرص‌ومحکم همسر که عقیده دارد هر خوردنی و نوشیدنی که با آتش آماده شود مزه‌اش تومانی هفت صنار با آنچه که با نیروی برق پخته یا گرم بشود فرق دارد، جای روزنامه‌مان را هیچ‌وقت با کتری‌های برقی آماده نمی‌کنیم، اما سال‌هاست دل هردویمان برای داشتنی یکی از آن سماور‌های قدیمی لک زده، من هرقوت اسم سماور می‌آید، ناخودآگاه یاد مصطفی عالی‌نسب می‌افتم. قدیمی‌ترا حتما سماور معروف به عالی‌نسب را به خاطر دارند و نسل جدید هم ممکن است روی بدنه سماور جدیدی که خریده‌اند نشان عالی‌نسب را دیده باشند. افراد کنجکاو با یک جست‌وجوی ساده در شبکه‌های مجازی می‌توانند زندگی‌نامه این فرد از زمانی که در دوران دکتر مصدق سماور تولیدی‌اش تبدیل به نماد مبارزه با انگلیس شد تا مناصب سیاسی- اقتصادی‌اش در دهه اول انقلاب را پیدا کنند و بخوانند.

من البته هیچ‌وقت از نزدیک مصطفی عالی‌نسب را ندیدم و از این منظر قضایوتی درباره شخصیت ایشان ندارم. اما نزدیک به ۲۰ سال پیش به‌واسطه شخص بزرگساری، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایی را که زمانی با آشنایان یا به‌خصوص کارگران کارخانه ایشان انجام شده بود، خواندم، نکته‌ای که آن زمان در خواندن آن گفت‌وگوها برای من جالب بود، تلاش و دقت‌نظر این فرد برای فراهم‌کردن زمینه و شرایط مناسب برای کارکردن آدم‌ها بود. امروز که آشفتگی در شرایط اقتصادی باعث زمین‌گیری خیلی از فعالیت‌های تولیدی شده، خیلی زیاد یاد آن صحبت‌ها می‌افتم. به اندازه هر شهروند دیگری متوجه هستم که عدم ثبات بازار و تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و روشن‌نبودن قوانین و از همه بدتر وجود رانت و فساد در بدنه بخش مهمی از مراکز اقتصادی، باعث شده که تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی که از موهبت رفاقت و روابط بهره‌مند نیستند، در وضعیت نامناسبی قرار بگیرند، اما همچنان به‌عنوان یک شهروند که با دوست و آشنا و همسایه و همکار در ارتباط است، متوجه هستم که در فرهنگ ما ماجرای سرمایه‌گذاری تغییر اساسی کرده است؛ یعنی هرکدام از ما اگر ملزومات اولیه زندگی را هم نداشته باشیم باز ترجیح می‌دهیم پول اضافی‌مان را به این شکل سرمایه‌گذاری کنیم که یک خانه را دو خانه، یک ماشین را دو ماشین و یک طلا را دو طلا کنیم. احتمالا توجیه‌مان هم این است که نگران آینده فرزندان و بازماندگان و نبیره و ندیده‌هایمان هستیم. آن هم در مملکتی که شب می‌خواهیم و صبح با دلارش دوبرابر شده یا بزنش آزاد یا یک شگفتی اقتصادی دیگری از راه رسیده. قبل از اینکه با شمشیر تیز واقع‌بینان آینده‌نگر دودیم بشوم، فقط می‌خواستم این نکته را بگویم که روزگار بیرونی در این بخش از کره زمین کمابیش قرن‌ها به همین شکل بوده است، اما همیشه آدم‌هایی بوده‌اند که روزگار درویشان این بود که سرمایه‌گذاری یعنی کاری انجام دهیم که آدم‌های دیگری هم به واسطه آن ارتزاق کنند، صاحب خانه و زندگی بشوند و از برکت آن، هم مال‌ما بیشتر شود و هم روزگار همگی‌مان خوش‌تر. حالا شاید تغییر نگاه درونی ما باعث شده که این برکت از زندگی‌هایمان برود و دیگر هیچ سرمایه‌گذاری نگرانی‌مان را از آینده کم نکند.

حالا به قول آن دیالوگ تاتاری باشکوه، ای شمشیرهای آخته فروآید!

زیر آسمان

چاووش در سیستان

از فرارسیدن دسته‌های عزاداری و برپایی مجلس عزا و شبیه‌خوانی و... مطلع می‌شوند. سیستان، خاستگاه نخستین تمدن‌های پیشرفته بشری و کانون اجتماعات شهرنشین است. شهربزران سیستانی نیز مثل مردان در این ماه به عزاداری و سوگ سالار شهیدان، بی‌بی زینب (س) می‌نشینند، زنان سیستانی با خواندن زوایی (رباعی) و نوحه در این دو ماه عزاداری می‌کنند و ازجمله آداب و رسوم مرسوم اهل بیت (ع) است. مراسم پیاده‌روی اربعین در بین سیستانی‌ها ریشه در گذشته دارد؛ آنجا که نیاکان‌مان نذر می‌کردند که با پای پیاده به زیارت قبور ائمه (ع) ازجمله مشهد مقدس، کربلا، نجف اشرف و همچنین مکه و مدینه بروند و در این مسیر چه بسیار افرادی که جانشان را فدا می‌کردند. چاووشی‌خوانان یا همان «چه و شی» نیز از مراسم‌ها و نمادهایی است که در ابتدا و انتهای این سفر معنوی و انسان‌ساز اجرا می‌شده است.